

## Analysis of Human Negligence in Approaching the Requirements of Contemporary Life (based on the Holy Quran and Nahj al-Balaghah)

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Zahra Godini<sup>1</sup>  
Seyyed Hamid Hosseini<sup>2\*</sup>  
Fateme Shariati<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Zahra Godini, Seyyed Hamid Hosseini, Fateme Shariati, Analysis of Human Negligence in Approaching the Requirements of Contemporary Life (based on the Holy Quran and Nahj al-Balaghah), *Islamic Life Style*. 2023; 6:56-65

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Tuyserkhan Branch, Islamic Azad University, Tuyserkhan, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: hoseinihamid2@gmail.com

#### Article History

Received: 2022/01/31

Accepted: 2022/05/01

### ABSTRACT

Human life in different eras has always had the special requirements of those eras as inevitable, contemporary human life also has its own requirements that these requirements are mainly affected by the comprehensive development of contemporary human technology in various fields of science. Some of the most important of these requirements are: rush and acceleration in lifestyle; Speed in communication; Secularism; Welfare; Luxury-oriented; Types of ruptures; Consumerism; Changing values and cyberspace. Although some of these cases have existed in human life since ancient times and are mentioned in the Holy Quran and Nahj al-Balaghah, but with the development of new technology, human neglect has increased and deepened.

The finding of this research based on the Holy Quran and Nahj al-Balaghah is that since the remembrance of God is the most effective factor in neglecting human beings and on the other hand avoiding the necessities of contemporary life is irrational and impossible, the duty of professional and religious designers and planners is that In their design and planning, in terms of hardware and software, they should act in such a way that, firstly, that technology, if it may cause mention and remembrance of God, and secondly, if it is not possible, at least in its own way, make users' minds unaware of God. Does not. And the duty of others is that, according to the verse of the men, there is no trade for them and no sale without the remembrance of God; (Light 37) In spite of the unavoidable necessities of contemporary life, let them cope with these necessities and live in such a way that those necessities do not neglect the remembrance of God in any way possible and under any circumstances.

**Keywords:** Life, Requirements, Human, Contemporary, Remembrance of God

## تحلیل غفلت انسان در رویکرد به مقتضیات زندگی معاصر (بر مبنای قرآن کریم و نهج البلاغه)

زهرا گودینی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران،

سید حمید حسینی<sup>\*۲</sup>

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

فاطمه شرعیاتی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران.

### چکیده

زندگی بشر همواره در دورانه‌های مختلف همواره مقتضیات خاص آن دورانها را بصورت امری اجتناب ناپذیر داشته است، زندگی معاصر بشر نیز مقتضیات خاص خودش را دارد که این مقتضیات عمدتاً متأثر از توسعه همه جانبه فن آوری بشر معاصر در حوزه های علوم مختلف است. برخی از مهمترین این مقتضیات عبارتند از: عجله و شتاب در سبک زندگی؛ سرعت در ارتباطات؛ دنیا گرایی؛ رفاه طلبی؛ تجمل گرایی؛ انواع گسست ها؛ مصرف گرایی؛ تغییر ارزشها و فضای مجازی است. هر چند برخی از این موارد از گذشته های دور در زندگی بشر وجود داشته و در قرآن کریم و نهج البلاغه به آنها اشاره شده، لکن با توسعه هر چه بیشتر فن آوری نوین، غفلت بشر نیز بیشتر شده و تعمیق یافته است.

یافته این پژوهش بر مبنای قرآن کریم و نهج البلاغه این است که چون ذکر خدا موثرترین عامل غفلت زدا برای بشر بوده و از طرفی دوری از مقتضیات زندگی معاصر امری غیر عقلانی و ناممکن است، وظیفه طراحان و برنامه ریزان متخصص و متدین این است که در طراحی و برنامه ریزی های خود در جنبه سخت افزاری و نرم افزاری به گونه ای عمل کنند که اولاً آن فن آوری اگر ممکن است موجب تذکر و ذکر خدا باشد و ثانیاً اگر ممکن نیست لا اقل بصورت خود ساخته، ذهن کاربران را از خدا غافل نکند. و وظیفه سایرین آن است که با مصداق آیه (رَجُلٌ لَا تُلْهِيمُ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ)؛ (نور ۳۷) با وجود مقتضیات غیر قابل اجتناب زندگی معاصر، خود به گونه ای با این مقتضیات کنار آمده و زندگی کنند که آن مقتضیات به هر صورت ممکن و تحت هر شرایط، ایشان را از یاد خدا غافل نکند.

واژگان کلیدی: زندگی، مقتضیات، بشر، معاصر، ذکر خدا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

\*نویسنده مسئول: hoseinihamid2@gmail.com

### مقدمه

پیشرفت سریع و فزاینده‌ی انسان معاصر در حوزه‌های گوناگون علوم، منشأ پیدایش و یا تکامل ابزارهایی شده که در پرتو آن سطح زندگی و به تبع آن مقتضیات زندگی انسان معاصر نسبت به گذشته بسیار متفاوت شده است.

با توجه به ماهیت "غفلت" که سلب توجه از یک مسئله و توجه به مسائل دیگر است، در زندگی بشر معاصر آثار فن آوری توجه او را به خود جلب نموده و او را از برخی از ابعاد وجودیش غافل نموده است. فن آوری و پیشرفت بشر در تکامل ابزار برای او در همه ابعاد، بویژه بعد ایمانی، اخلاقی و اعتقادی همیشه مثبت و سازنده نبوده است بلکه گاه او را در غفلتی عمیقی فرو برده است.

غفلت از خدا، غفلت از خویش، غفلت از معاد، غفلت از پدر و مادر و بستگان نمونه‌هایی از غفلتهای فزاینده بشر در عصر حاضر است. بشر در دنیای به اصطلاح مدرن امروز که عمدتاً محصول تفکر و جهان بینی مادی است در گرداب بحران های متعددی گرفتار شده که آن هم به نوبه خود ابعاد مختلف زندگی بشر امروز را متأثر ساخته است.

گستره این بحران های غفلت زدا از ساحت معرفت و اندیشه گرفته تا نگاه به انسان و ابعاد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی او سایه افکننده است و حتی مفهوم و ماهیت "انسان" هم مورد غفلت قرار گرفته و فراموش شده است.

"هرچند تمدن (غرب) به انسان معاصر امکانات مادی گوناگونی داده است که نسل گذشته خواب آن را هم نمی توانست ببیند ولی چون در این تمدن معنای انسان مفقود و مجهول است، از این رو امیدها و آرزوهای ژرف او نادیده و ناشناخته مانده است و همه این امکانات مادی هم مانع از آن نیست که انسان در سیه روزی و ناامیدی فرو نرود." (۱)

اعتماد مطلق غرب بر علوم تجربی و مقابله آنان با اعتقادات دینی، خسارت های سنگینی برای نظام های سکولار به بار آورد. گرچه نقش این جریان در سرعت بخشیدن به اکتشافات علمی و افزایش چشمگیر بهره مندی های مادی غیر قابل انکار بوده، اما جریان مذکور به دلیل نگاه تک بعدی و نادیده گرفتن ارزش های الهی هیچ گاه نتوانست سعادت مطلوب را برای بشریت به ارمغان بیاورد و با وجود پیشرفت در عرصه علم و تکنولوژی، پسرفت در انسانیت را به دنبال داشت.

آنچه تمدن غرب در عمل برای بشریت به ارمغان آورد، تبدیل آن به حیوان متمدن بود و نه یک انسان متمدن. «حوادث و رویدادهایی چون رنسانس و نوزایی و جنبش اصلاح دینی و جریان روشن اندیشی و عقل گرایی و انقلاب صنعتی که از قرن چهاردهم در غرب آغاز شد با وجود آثار و نتایج سودمند آن در زمینه تأمین رفاه و آسایش مردم و ایجاد تحولات فکری و فرهنگی و تکامل زندگی اجتماعی انسانها موجب بروز بحران ها و نارسایی هایی نیز در عرصه های مختلف زندگی انسانی از جهت معرفت، روانی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی شده است.

امروز بشر در بعد معرفتی دچار تحیر علمی و نسبیّت گرایی و عدم ثبات در آرا و عقاید است و در بعد روانی، دچار تردید علمی، افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش و اطمینان خاطر و از خود

چون معمولاً اعمالی که از روی عجله انجام می‌گیرد، بدون فکر و تأمل و اشراف انسان به همه جوانب کار است، عجله غالباً با غفلت همراه است.

با توجه به مقتضیات گسترش فن آوری و پیشرفت علمی جوامع بشری، شتاب وعجله کردن امری شایع در سبک زندگی بشر معاصر است. اضطراب، اشتباه و غفلت از نتایج و آثار معمول شتاب و عجله هستند. در دنیای امروز، نوعی شتاب و عجله نامعقول، که لازمه مدرنیسم و تجدّدطلبی است، امکان تأمل و صبر را از انسان سلب کرده است، از این رو خسارات عظیمی که از ناحیه شتابزدگی بی‌مورد، دامن افراد یا اجتماع را می‌گیرد، بیش از آن است که به حساب آید.

امروزه ما در فضایی زندگی می‌کنیم که فرهنگ شتابزدگی به صورت‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند. متأسفانه از آنجا که آموزش صبر و تحمل را در سبک زندگی نداریم، این شتابزدگی به شیوه‌های گوناگون بازتولید می‌شود. امروزه شتاب تبدیل به یک ضرورت ساختاری شده و دیگر در خدمت پیشرفت نیست، بلکه وجود آن ضروری است تا ما تلف نشویم. ما باید نوآور، خلاق، سخت‌کوش و سریع باشیم. این وضعیتی بسیار ویژه است که در آن مردم حس می‌کنند هر سال باید سریع و سریع‌تر بدون تا صفا در همان جای قبلی بمانند. ما دیگر باور نداریم زندگی بهتر می‌شود، بر کمبودها فائق می‌آییم و با بهبود اوضاع، کشمکش‌ها کمتر خواهد شد بلکه برعکس، تقریباً مطمئنیم زندگی سخت و سخت‌تر خواهد شد. (۴)

البته در آموزه‌های دینی هر عجله و شتابی بطور مطلق نکوهش نشده، عجله کردن گاهی از صفات نکوهیده و زمانی از صفات پسندیده به شمار می‌آید.

امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «التَّوَدُّةُ ممدوحةٌ فی کلِّ شیءٍ الا فی فرص الخیر». تأمل و دوری از شتابزدگی بهتر از عجله و سرعت در تصمیم است، مگر در فرصت‌های انجام کارهای خیر. (۵)

اسلام به عنوان یک برنامه جامع زندگی، همه انسان‌ها را به «صبر» و بردباری و پرهیز از «عجله و شتاب» دعوت می‌کند. در قرآن کریم و بیانات معصومین (علیهم السلام) مطالبی قابل تأمل در باره عجله وجود دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: (وَيَذُحُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاؤُهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا)؛ (اسراء)، انسان عجل‌طلب است، وقتی چیزی را طلب می‌کند صبر و حوصله به خرج نمی‌دهد، در جهت صلاح و فساد خود نمی‌اندیشد تا در آنچه طلب می‌کند راه خیر برایش مشخص گردد، و از آن راه به طلبش اقدام کند بلکه به محض اینکه چیزی را مطابق میلش دید با عجله و شتابزدگی به سویش می‌رود، بدون اینکه خیر و شر را از هم جدا نموده و حق را از باطل تشخیص دهد و به همان عجله که به دنبال سعادت می‌رود در پی شقاوت می‌دود. حقیقت دیگر این است که عجله، از فریبهای شیطان و یوغ بندگی اونیز هست، چنان که روایت شده که شیطان، سپاهیان را سفارش کرده است که فرزندان آدم را با عجله بفریبند و به دام اندازند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «الأناء من الله والعجلة من الشیطان»؛ (۶) درنگ و تأنی در کارها از سوی خدای رحمان و

بیگانگی و به تعبیری بی‌خویشتنی است و از جهت اخلاقی نیز گرفتار انحرافات خصلتی گسترده و به لحاظ خانوادگی دچار از هم پاشیدگی داخلی و از نظر اجتماعی و سیاسی، گرفتار مسائلی چون هرج و مرج بین المللی و مانند آن است. (۲)

از سوی دیگر باید ملاحظه نمود که در سلوک انسان بسوی لقاء پروردگار هیچ عاملی به اندازه غفلت از خدا و غفلت از شناختن خود برای بشر معاصر خسران به همراه ندارد، به همین دلیل است که غفلت زدایی، اولین و مهم‌ترین مسئله بشر معاصر در بعد روحی و معنوی اوست.

#### مقتضیات زندگی معاصر

زندگی انسان طی دو قرن اخیر تحت تاثیر تحولات شگرف فن آوری (از قبیل رایانه، اینترنت، موبایل و...) بوده که مقتضیاتی متفاوت با مقتضیات دورانی گذشته برای او پدید آورده و چنانکه از شواهد پیداست، این تحولات، دگرگونیهای عمیق و وسیعی در همه عرصه‌ها زندگی ایجاد کرده است.

در قرون و دهه‌های اخیر، ابعاد مختلف فردی و اجتماعی انسان‌ها و جوامع بشری با انقلاب‌های چندگانه صنعتی به صورت مرتب و مستمر تحت تاثیر قرار گرفته و حوزه‌هایی مثل اقتصاد، سیاست، اشتغال و حتی روابط اجتماعی و حریم شخصی به شدت از تغییرات فناوری متاثر شده‌اند.

در واقع به واسطه تغییرات ناشی از فناوری، به صورت آن به آن در حال خلق و تجربه موضوعات تازه ای هستیم که به تبع آن، مقتضیاتی نیز تولید می‌شوند که قبلاً برای بشر تجربه نشده بودند. بنابر این محصولات فن آوری که هر روز به بازار مصرف وارد می‌شود، مقتضیات جدیدی نیز با خود به ارمغان می‌آورند. انسان به عنوان یک مصرف کننده صرف تولیدات مادی و معنوی فن آوری، آن را پذیرفته و به آن وابسته می‌شود و این وابستگی در موارد بسیاری موجبات غفلت انسان را فراهم آورده است.

#### عجله و شتاب در سبک زندگی

بسیاری بر این باور هستند که بشر در دوره مدرنیته وارد عصر شتاب شده است؛ البته به نظر می‌رسد تا حدی طبیعی است که نسبت به عصر صنعتی و کشاورزی، شتاب عصر اطلاعات بیشتر باشد. در عصر حاضر که عصر اطلاعات و سرعت می‌باشد، بشر امروز دچار عجله و شتاب زدگی گشته است و همین امر استرس و اضطراب و همچنین غفلت را وارد زندگی انسان‌ها نموده است.

شتابزدگی در زندگی یا عجله در انجام کارها، حالتی است که به مجرد خطور امری در ذهن، بی‌درنگ و بدون تأمل نسبت به آن اقدام کنیم و با شتاب آن را انجام دهیم. درباره شتاب و عجله به خوبی می‌توان دریافت افراد عجول، کم حوصله و بی‌تأمل که ظرفیت نگاه به آینده ای گفتار و رفتار خویش را ندارند، همیشه با نوعی غفلت مواجه هستند.

عجله، ضد تأنی بوده و آن طلب شیء، پیش از وقت مناسب آن است. خصلت عجله از صفات ناپسند و مذموم نفس انسانی است؛ چرا که عجله و شتاب به معنای مطالبه چیزی قبل از وقت رسیدن آن است. (۳)

تَصَسَّوْا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ (حجرات/۱۲). برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید.

#### دنیا گرایی

یکی از ویژگیهای زندگی انسان در عصر حاضر دنیاگرایی است. اگرچه دنیا گرایی و دنیا پرستی موضوع جدیدی در زندگی انسان نیست لکن بشر معاصر بدلیل دست یابی به ابزار و توسعه فن آوری و تنوع صنایع بیش از گذشته به دنیا و زخارف آن گرایش پیدا کرده است.

به تعبیر دیگر یکی از مهم ترین بیماری های عصر جدید، دنیایی کردن و دین زدایی افراطی و تهی ساختن پدیده ها از شأن و مرتبه معنوی مربوط به آنها است که در این حالت حیات دنیایی به صورت غایت و هدف انسان در عصر جدید در می آید.

بشر معاصر در تفکر نوین جهانی خود معنای سعادت را در خوشبختی و رضایت از زندگی می داند که آن را با شاخص های دنیوی تبیین می کند و معتقد است میزان خوشبختی یعنی میزان احساس رضایت از زندگی.

این در حالی است که دنیا می تواند هم مزرعه آخرت و تجارتگاه اولیاء خدا باشد و در این تجارتگاه انسان میتواند بهشت را سود کند و هم اینکه با دنیا گرایی زمینه ساز شقاوت شده و سبب جاودانگی انسان در دوزخ گردد.

در روایات، ریشه تمام لغزشها و گناهان انسان به دنیاگرایی ختم شده است پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (۸).

در قرآن کریم، دنیا در سیاق ذم، یا به تعبیر دیگر «دنیاگرایی»، گاه به مصادیق مادی، مانند شهوت های جنسی، فرزندان، طلا و نقره، اسب، دام و کشتزار تعریف شده است که برای انسان آرایش و تزیین شده است؛ (زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُمَقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...): (آل عمران/۱۴).

و گاهی نیز دنیا گرایی به نگرش های مادی گرایانه و نحوه بهره گیری از این مصادیق مادی، مانند لعب، لهو، مدپرستی، تجمل گرایی، فخر فروشی، ثروت اندوزی و قدرت طلبی اطلاق شده است که انسان به جای استفاده از مادیات در جهت نزدیکی به خداوند، از آنها در جهت دوری از خداوند سود جسته است؛ (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وِزْنَةٌ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ)؛ (حدید/۲۰).

آشکار شدن علایق شدید مادی و جلوه های مدرن دنیاپرستی در اشکال مختلف آن شاهدهی بر این حقیقت است که قرآن کریم می فرماید: (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا)، (اعراف/۱۶۹) پس کسانی بعد از آنها جانشین ایشان و وارثان کتاب الهی شدند که دنبال متاع زوال پذیر دنیای پست بودند و می گفتند: بزودی خدا ما را می بخشد.

چنانکه ملاحظه می شود اقبال به دنیا، مقام و مال، هم معلول و آسیب سهل انگاری و لاابالی گری در دین داری است و هم علت غفلت انسان. قرآن کریم می فرماید: (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

شتاب و عجله در آنها از سیاستهای شیطان است. بخاطر آنکه در باطن شتاب و عجله غفلتهای آسیب زا نهفته است.

امام علی (علیه السلام) نیز می فرماید: «إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا»؛ (نامه ۵۳) پرهیز از عجله در کارهایی که وقتش نرسیده است. اقدام به انجام کاری که وقتش نرسیده باشد به معنای غفلت از بی آمدهای آن است. از مجموع بیانات نقل شده می توان فهمید که غفلت همراه و قرین عجله و شتاب مذموم بوده و بطور کلی آنچه در آموزه های دینی در باره عجله (مذموم) و نه شتاب در انجام کارهای خیر و حسنات) وجود دارد، حاکی از اثرات زیانبار در بعد غفلت آن است که در دنیای معاصر از جهت کمیت و کیفیت روند افزایشی نیز دارد.

#### سرعت در ارتباطات

استفاده از تکنولوژی های ارتباطات و اطلاعات با ویژگی های خاص و منحصر به فردی، همچون همه جایی بودن، در دسترس بودن و سرعت بالا، به صورت فزاینده ای رو به رشد است. امروزه دایره وسایل ارتباط جمعی آنچنان در حال گسترش است که به جرأت می توان گفت هر روز تحولی جدید در فرآیند ارتباطات از طریق وسایل متنوع ارتباط جمعی مشاهده می شود.

فناوری ارتباطات باعث سرعت گرفتن همه جانبه زندگی انسان معاصر شده است و این موضوع بر تمام وجوه زندگی فردی و جمعی انسان ها در جامعه تاثیر شگرفی داشته است.

شبکه های ارتباطی با سرعت شگفت آوری باعث انتقال اطلاعات و تصاویر در سراسر دنیا شده اند و فواصل فضایی و مکانی که پیش از این بین افراد و سازمان ها در سراسر دنیا وجود داشت را از بین برده و مهارت های متعددی نظیر انتقال داده ها و ارتباط از راه دور را امکان پذیر ساخته اند (۷).

افزایش سرعت در ارتباطات از سویی روابط در فضای حقیقی (نه فضای مجازی) را کمرنگ کرده و باعث کاهش روابط عاطفی شده، این سرعت (همچنان در حال افزایش)، فرصت اندیشه و تفکر و نقد را از میان برداشته و موجب سطحی نگری انسانها نیز شده است.

اگرچه سرعت ارتباطات باعث شده است که ما بتوانیم با سرعت به دیگران دسترسی داشته باشیم، در نتیجه حجم ارتباطات ما افزایش یافته، لکن دلیل افزایش سرعت باعث ایجاد آرامش و وقت بیشتر نشده است، بلکه اکنون ملاحظه میشود که انسان مدرن بیش از همیشه دچار سرسام و آشفتگی است.

سرعت ارتباطات علی رغم فوایدی که داشته است، باعث شده تا اغلب مردم دچار غفلت شده و در مواجهه با اخبار و اطلاعات، بدون آنکه به حقیقت آنها علم پیدا کنند آنها را تایید و یا نشر بدهند موضوعی که در قرآن کریم از آن نهی شده است: (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنَّهُ مَسْئُولًا)؛ (اسراء/۳۶). در پی آنچه به آن علم نداری نیفت و پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

ویا ممکن است در جریان سریع ارتباطات و اشتراک گذاری اطلاعات، موجبات سوء ظن، تجسس و غیبت دیگران را فراهم آورند که آن هم منهی قرآن کریم است: (إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَكَأَنَّ

وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ (روم/۷). آن‌ها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند!

البته این موضوع روشن است که موضوع دنیا رویکرد دو وجهی (ممدوح و مذموم) دارد. (لذا قرآن کریم) با تکرار ضمیر "هُم" به این حقیقت اشاره می‌کند که علت این غفلت و بی‌خبری خود آن‌ها هستند، درست مثل این که کسی به ما بگوید: مرا از این امر تو غافل کردی، و در جواب بگوییم: تو خودت غافل شدی، یعنی سبب غفلت خودت بودی. (۹)

قرآن کریم در نکوهش از خصلت دنیاطلبی نه تنها از دنیا گرایی نهی می‌کند، بلکه حتی بندگان خود را از هم‌نشینی با صاحبان این صفات هشدار می‌دهد و به روی گردانی از آنها امر می‌فرماید و همچنین از افراد دنیا گرا، به عنوان مصداق آشکار غافلان از یاد خداوند نام می‌برد:

(فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَن دِرْكِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا)؛ (نجم: ۲۹). (حال که چنین است)، از کسی که از یاد ما روی می‌گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبد، اعراض کن.

لازم به ذکر است که البته انسان برای زنده ماندن نیاز به امور دنیایی دارد و به گونه‌ای آفریده شده که طبیعت او به آنها تمایل داشته باشد و اسلام هرگز این قبیل محبت‌ها را مورد نکوهش قرار نداده است. امام علی (علیه السلام) در حدیثی مردم را فرزندان دنیا دانسته، می‌فرماید: «النَّاسُ أَوْلَادُ الدُّنْيَا وَ لَا يَلَامُ الرَّجُلُ عَلَى حُبِّ أُمِّهِ»؛ (حکمت ۳۳). کسی را بر دوستی مادرش ملامت نمی‌کنند.

بنابراین مقصود از دنیاگرایی، ترک این علاقه‌ها نیست؛ نه زمین و آسمان، امکانات و نعمتهای الهی مذموم و بد هستند، نه زن و فرزند، مال و ثروت و جاه و قدرت و نه محبت و علاقه به آنها و نه زندگی در دنیا، هیچ یک به خودی خود ناپسند و بدشمرده نمی‌شوند. بلکه مقصود از دنیاگرایی، دل خوشی و سرگرم بودن، راضی و قانع بودن به این امور و غفلت از ماورای آنهاست. دنیاگرایی عبارت از رضایت دادن به دنیای مذموم، غرق شدن در آن و از هدف اصلی و نهایی غافل ماندن است. به قول مولوی:

چیست دنیا؟ از خدا غافل بُدن

نی قماش و نقره و میزان و زن

مال را کز بهر دین باشی حَمُول

نغم مال صالِح خواندش رسول

آب در کشتی هلاک کشتی است

آب اندر زیر کشتی پُشتی است (۱۰)

دنیا گرایی سبب چشم پوشی انسان از حق می‌شود امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «كَانَتْهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَالُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ بَلَىٰ وَ اللَّهُ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَ وَعَوْهَا وَ لَكِنَّهُمْ حَلَيْتِ الدُّنْيَا فِي أَغْثِيهِمْ وَ رَاقِيهِمْ زُبْرُجْهًا»؛ (حکمت ۴۵۶). گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید: «سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است» آری به خدا آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند، اما دنیا در دیده آنها زیبا نمود، و زیور آن چشم هایشان را خیره کرد.

نهایتاً اینکه در بیان امام علی (علیه السلام) غفلت در دنیا طلبی، یعنی خود را فروختن به دنیا، به مقام دنیا، ثروت دنیا، شهوت دنیا، مقام دنیا، لذت دنیا و این بدترین خسارت برای انسان است: «وَ لَبِئْسَ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ تَمَنَّا وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوْضًا». (خطبه ۳۲)

رفاه طلبی

واژه «رفاه» در لغت عربی از اصل «رفه» به معنای فراخ و آسان شدن زندگی؛ (۱۱).

گسترش فساد، انحطاط ارزش و اخلاقیات، کم رنگ شدن حس مسئولیت پذیری در برابر خود و جامعه و بی‌تفاوتی و... از مهم‌ترین آثار رفاه زدگی و راحت طلبی در زندگی بشر معاصر است چنانکه مشاهده می‌شود سایه شوم رفاه‌زدگی بر جامعه سایه افکنده و این بیماری عصر حاضر موجب مسائل و مشکلات بسیاری شده است. رفاه به معنای پیش گفته، یک امر طبیعی و کمالی است؛ زیرا انسان گرایش به کمال دارد و از نقص می‌گریزد و شکی نیست که آسان شدن امور زندگی و برخورداری از امکانات، یک امر کمالی در برابر کمبودها و سختی‌ها و فقدان امکانات است.

سهولت در چرخه تولیدات اقتصادی و افزایش سرانه تولید ناخالص ملی باعث ارتقای رفاه اجتماعی می‌شود و یکی از ارمغان‌های پدیده شهرنشینی در عصر حاکمیت ماشینی بر زندگی آدمی رفاه زدگی است.

انسان راحت طلب همواره به فکر خویش است و در برابر چیزی که رفاه طلبی او را تهدید کند، واکنش منفی نشان می‌دهد. بیماری رفاه زدگی که در آموزه‌های دینی نیز مذموم است، زمینه را برای ارتکاب سایر جرائم فراهم می‌سازد. در واقع راحت طلبی و رفاه گرایی از شعبات هوای نفس و حب دنیا است.

در حقیقت نوعی از رفاه وجود دارد که از نظر قرآن منفی است و از آن به "اتراف" یاد می‌شود که از باب افتعال و مشتقات آن است. واژه اتراف از واژه «ترف» گرفته شده است. «ترف» در لغت به معنای فراخی و گشایش است.

در قرآن کریم واژه «مُتْرَف» در باره کسی بکار رفته کسی است که به دنبال کام جویی، لذت جویی، ناز و نعمت طلبی رفاه طلبی منفی، کامروایی، خوشگذرانی و مانند آن می‌رود و این اعمال او را از آخرت و یاد خدا غافل می‌کند.

علامه طباطبایی می‌فرماید: «اتراف» که مصدر کلمه «مترفین» است به معنای آن است که نعمت، صاحب نعمت را دچار مستی و طغیان کند؛ کسی که نعمت با او چنین کند می‌گویند او «اتراف» شده؛ یعنی سرگرمی به نعمت آن چنان او را مشغول کرده که از ما و رای نعمت غافل گشته.

پس مترف بودن انسان به معنای دل‌بستگی او به نعمت‌های دنیوی است؛ چه آن نعمتهایی که دارد، و چه آنهایی که در طلبش می‌باشد؛ چه اندکش و چه بسیارش. (۱۲)

علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: زیاده روی در لذایذ کار آدمی را به جایی می‌کشاند که از پذیرفتن حق استکبار ورزد. هم چنان که آیه بعدی هم آن را افاده می‌کند: (وَ قَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ). و خاصیت اتراف و ترفه و

نهایتاً تمام انسانیت، عزت نفس و معنویت انسان به نوع مصرف کالاهای مادی تنزل می‌یابد.

این بیان به معنی، میل و رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی می‌باشد گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا، آسیبها و آثار نامطلوبی در پی دارد. غفلت و فراموشی یاد خداوند، دنیازدگی، کفران نعمت، مصرف گرایی، تفاخر، زیاده خواهی، رواج الگوهای نامناسب از جمله آسیب‌های تجمل‌گرایی است.

بنابر این آنچه در باره تجمل‌گرایی در آموزه‌های دینی مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است، گرایش افراطی به تجملات و تشریفات دنیوی و به عبارتی هدف شدن آنها در زندگی بشر است. پیامد پرداختن به نیازهای دروغین، صرف هزینه‌های سنگین، هدر دادن ذخیره‌های اقتصادی و برجا ماندن فقر و نابسامانی اجتماعی است. از اینرو اسلام با تجمل‌پرستی مخالف است و اجازه نمی‌دهد انسانی که باید برای رسیدن به ایده آل‌های مقدس و الهی راه تکامل را بیاماید خویشتن را سرگرم خودآرایی کند و با این کار راه را بر زندگی اقتصادی جامعه و کمال خود ببندد. (۱۳)

اسلام در عین حال که به زندگی دنیایی انسان توجه دارد و خداوند متعال وسایل رفاه و آسایش او را در دنیا فراهم آورده است، مسلمانان را به عدم افراط و تفریط در این زمینه فرا خوانده و به زندگی معتدل و قناعت دعوت می‌کند.

جمال و دوستی جمال غیر از تجمل می‌باشد و جمال درمنظر اسلام جایگاه مثبتی دارد. اما تجمل که ناشی از زیاده خواهی و اسراف می‌باشد، در منطق اسلام مردود است.

قرآن کریم به افرادی که گمان می‌کردند تحریم زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزی‌های پاک و حلال نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار است، با لحن تنیدی می‌فرماید:

(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ)؛ (اعراف/۳۲). بگو ای پیامبر چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؛ سپس برای تاکید اضافه می‌کند: به آنها بگو این نعمت‌ها و موهبت‌هایی برای افراد با ایمان در این زندگی دنیا آفریده شده اگر چه دیگران نیز بدون داشتن شایستگی از آن استفاده می‌کنند.

#### انواع گسست‌ها

واژه «نسل» در دائرةالمعارف علوم اجتماعی، این‌گونه تعریف شده است؛ «نسل در جمعیت‌شناسی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند.» دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً «گسست نسل‌ها» نامیده می‌شود.

گسست نسلی نتیجه تحولات سریع اجتماعی است که بواسطه گسترش آموزه‌های مدرن و تغییرات شتابان جوامع درحال توسعه آنها را مستعد بروز پدیده‌هایی همچون گسست نسلی می‌کند.

مهمترین و شاخص‌ترین عنصر در شکل‌گیری پدیده گسست نسل‌ها را می‌توان در مظاهر مدرنیته مشاهده کرد. در مطالعه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی مشاهده می‌شود که تفاوت نسلی از قدیم الایام در جامعه بشری وجود داشته است، به طور کلی هیچ

غوطه‌ور شدن در نعمت‌های مادی همین است که قلب آدمی به آنها متعلق شود و آنها را عظیم بشمارد و سعادت خود را در داشتن آنها بداند؛ حالا چه اینکه موافق حق باشد، یا مخالف آن. در نتیجه همواره به یاد حیات ظاهری دنیا بوده، ما ورای آن را فراموش می‌کند. (۱۲)

از نظر قرآن، زمانی رفاه، مطلوب خواهد بود که به دور از هرگونه افراط و تفریط باشد رفاه‌زدگی موجب وارونگی نگاه انسان به حقایق و زندگی می‌شود

خداوند در قرآن می‌فرماید: (يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ)؛ (روم/۷) آنان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت بی‌خبرند.

نتیجه آنکه یکی از پیامدهای رفاه طلبی غفلت است که انسان را از هستی بخش خود جدا و به امور پست و غیر مهم سرگرم و وابسته می‌کند. انسان رفاه طلب به دلیل توجه به ظواهر دنیا و دل سپردن به سرگرمی‌های ساختگی و روزانه زندگی مادی، از مبدأ و مقصد خود غافل می‌شود و خدا و آخرت را فراموش می‌کند.

#### تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی با رشد فزاینده‌ی عوامل قدرت و ثروت و ترویج مصرف‌گرایی در عصر حاضر، خطر رو آوردن به زندگی تجملاتی را بیش از گذشته افزایش داده است و بشر بسیاری از هم و غم و امکانات مادی و معنوی خود را صرف تجملات زندگی خود می‌کند. تجمل‌گرایی بعنوان پدیده اجتماعی که مخصوصاً در سالهای اخیر در جوامع گسترش یافته است.

تجمل به معنای «خود را زینت دادن و آراسته شدن» و گرایی به معنای «آهنگ کردن، میل و رغبت کردن». با توجه به این تعبیرها، تجمل‌گرایی به معنای رغبت کردن به تجملات و توجه به ظواهر زندگی و غفلت از سایر مسائل است.

تجمل‌گرایی در ظاهر به رفاه طلبی بسیار نزدیک است اما باید در نظر داشت که انسان رفاه طلب تنها در اندیشه آسایش خود به سر می‌برد ولی تجمل‌گرا گذشته از آن به آرایش‌های افراطی می‌اندیشد و می‌کوشد با روشها و اعمال خود به هرصورت ممکن زندگی خود را با الگوهای تقلیدی و مد روز و بر اساس هوس‌های زود گذر خود، هم آهنگ سازد این کار مایه تفریح و سرگرمی اوست و نهایتاً به تباهی زندگی او می‌انجامد.

وقتی از تجمل‌گرایی سخن به میان می‌آید، منظور رویه افراطی در زندگی است که از مصادیق اسراف، تبذیر و اتراف می‌باشد. استفاده از زینت و زیبایی اگر در حد اعتدال باشد هیچ اشکالی ندارد، ولی بسیاری از مردم در جریان زندگی، راه افراط را در پیش می‌گیرند و به بهانه‌های گوناگون رویه تجمل‌گرایی می‌آورند.

تجمل‌گرایی، به معنای گرایش به تجملات، یکی از پدیده‌های ناپهنجار اجتماعی و یک بیماری روان‌شناختی است. مشکلات روانی چون احساس حقارت، خودبزرگ بینی، خودپسندی، تکبر و فخرفروشی و تفاخر مردم را به سمت تجمل‌گرایی سوق می‌دهد.

تجمل‌گرایی با مفاهیمی مانند ریخت‌وپاش کردن، هدر دادن ثروت، دنیازدگی، مصرف‌گرایی و حتی چشم و هم چشمی ارتباط دارد.

به نظر می‌رسد تفاوت نسلی که بطور طبیعی در طی تاریخ در جوامع بشری به وقوع می‌پیوندد امری اجتناب‌ناپذیر و طبیعی باشد. این موضوع در برخی آموزه‌های دینی قابل مشاهده است. بعنوان مثال امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لا تفسروا اولادکم علی آدابکم، فأنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»؛ (۱۶) فرزندان خود را نسبت به پذیرش آداب و رسوم خود مجبور نکنید. چرا که آنان در زمانه‌ای غیر از زمان شما خلق شده‌اند به طور طبیعی مقتضیات و شرایط آنان با نسل گذشته تفاوت دارد.

اما گسست نسلی که جدایی و تفاوت کلی و کامل دو نسل است موضوعی طبیعی قلمداد نشده، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اندیشمندان علوم تربیتی و صاحب نظران سایر علوم مرتبط با موضوع آن را خطر و تهدید قلمداد کرده و در باره آن هشدار داده‌اند و در جامعه مدرن در حال گسترش است.

#### مصرف‌گرایی

پدیده و رفتاراصالت‌دادن به مصرف و هدف قراردادن رفاه و دارایی‌های مادی، مصرف‌گرایی نام دارد. برخی، مصرف‌گرایی را به معنای برابر دانستن خوشبختی شخصی با خرید دارایی‌های مادی و مصرف گرفته‌اند. چنانکه مصرف‌گرایی یکی از خصوصیات زندگی جدید در دنیای مدرن است. در جهان امروز مصرف به عنوان یک وسیله هویت‌ساز معرفی شده و مصرف‌کننده با مصرف و نمایش دادن کالاهای تحت تملکش، در صدد خلق و حفظ هویت خویش است. ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی مصرف‌گرایی در عصر حاضر را باید در مدرنیته (نوگرایی) یافت. مصرف‌کننده در واقع به سمت الگوی مصرفی هویت‌بخش و مصرف‌بخش و مصرف متظاهرانه روی آورده است؛ این فرهنگ که مصرف را معیار و ملاک شخصیت و کالا را وسیله هویت‌بخشی در نظر گرفته، موجب افزایش مصرف و پدید آمدن نوعی مسابقه مصرف در میان افراد و جوامع شده است.

مصرف‌گرایی آثار متعدد و گوناگون اقتصادی، سیاسی، روانی و به ویژه جامعه‌شناختی را در جامعه بر جا می‌گذارد. از آثار جامعه‌شناختی مصرف‌گرایی می‌توان به تبدیل ثروت به مصرف، به ارزش و غلبه آن بر دیگر ارزش‌ها، نمایش ثروت، شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی، احساس محرومیت و ... نام برد.

در زمان‌های گذشته مردم به تهیه کالاها و خدمات ضرور و درجه اول و بعد کالاها غیر ضرور با اولویت و توان خرید خود می‌پرداختند اما در مصرف‌گرایی (نوبین) مصرف تبدیل به یک ارزش و هنجار شده و مصرف‌گرایی، دیگر امری نکوهیده نیست.

در پروسه مصرف‌گرایی، جامعه، از جامعه تولیدی به جامعه مصرفی تبدیل شده، اصل در جامعه، حداکثرسازی مصرف و لذت‌گرایی می‌شود. برای تسریع در تبدیل جامعه به جامعه مصرفی، از سیاست‌های برگزاری نمایشگاه‌ها، تأسیس فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای، ورود و ظهور کالاهای مصرفی ارزان‌قیمت در حجم فراوان استفاده شده است. قبلاً مصرف کالاهای فراوان، ویژه طبقه ثروتمندان و مرفه بود؛ اما در جامعه مصرفی، مصرف این کالاها برای مردم عادی نیز رواج می‌یابد. البته در مصرف کالاها، کالاهای گران‌قیمت و با کیفیت بالا، ویژه ثروتمندان است و کالاهای ارزان‌قیمت و با کیفیت پایین‌تر، مخصوص مردمان عادی است. (۱۷)

جامعه‌ای را نمی‌توان فاقد تفاوت نسلی یافت، زیرا در هر جامعه‌ای به طور طبیعی مقتضیات نسل قبلی با شرایط و مقتضیات نسل بعدی متفاوت است. با گذری در تاریخ تعداد فراوان این گسست را در حیات بشر می‌توان ملاحظه نمود.

البته اگر فقط فاصله‌ای میان نسل‌ها مشاهده می‌شود تفاوت در مواردی باشد؛ یعنی اگر فاصله میان آنها به گونه‌ای نباشد که حاصل آن تضاد بین نسل‌ها باشد از آن تعبیر به شکاف نسلی می‌کنند و اگر این فاصله بصورت جدایی و تفاوت کلی و کامل دو نسل، یعنی عدم درک مقابل آنان، فقدان گفتگو و وجود نزاع و درگیری میان دو نسل باشد که مرحله بحرانی و خطرناکی است، تعبیر به گسست می‌شود.

ایجاد گسست نسلی (نه تفاوت نسلی) در جوامع به صورت مصنوعی، هدفمند و با اهداف خاص توسط استثمارگران در سایر کشورها در کنار سایر روشها از روشهای مهم تسلط و تصرف منافع استعمار نوین است.

برتری طلبان غربی، برای آن که بتوانند در بستر جوامع رشد کنند، در شش حوزه اساس فرهنگ‌های دیگر را هدف قرار داده‌اند که عبارتند از:

- ۱- استفاده از شیوه‌های ناکارآمد فرهنگی در جوامعی که می‌خواهند به تولید فرهنگ بومی بپردازند یا از ارزش‌های خود حمایت کنند؛
- ۲- ارزش‌مند کردن اصول غیر واقعی و بی‌ارزش؛
- ۳- کم‌ارزش نمودن اصول واقعی و ملاک‌های انسانی؛
- ۴- توجه ندادن به دروس و هسته‌های فکری اندیشه‌ساز و دور کردن انسان‌ها از اهداف مقدس؛
- ۵- غلط‌آموزی و بی‌هدفی در حوزه فرهنگ اصیل خود؛
- ۶- ایجاد گسست ارتباط فرهنگی نسل‌های بومی کشور از یکدیگر.

(۱۴)

در صورت ایجاد این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین و نسل قبلی خود بگسلند و اغلب در این راه به هویت‌های جدید ارزشی و هنجاری روی می‌آورند.

با توجه به تعریف نسل، گسست نسلی را به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل‌های موجود در خانواده از قبیل والدین و فرزندان با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تعریف می‌شود (۱۵).

مهمترین علت شکل‌گیری و عمیق‌تر شدن این بحران، تحولات سریع اجتماعی است که به علت این تحولات سریع، طرز فکر و اندیشه‌های والدین و فرزندان، دستخوش تغییراتی شده است که موجب فاصله‌ی روز افزون ایشان شده است.

مجموعه تفاوت‌هایی که میان دو نسل می‌تواند وجود داشته باشد عبارتند از؛

- ۱- تفاوت در آرمان‌ها و اهداف دو نسل
- ۲- تفاوت در الگویابی و گروه‌های مرجع
- ۳- تفاوت در مفاهیم و اصطلاحات روزمره دو نسل
- ۴- تفاوت در ظاهر، پوشش و نوع سخن گفتن در میان دو نسل
- ۵- تفاوت در سبک زندگی

توده مردم ممکن است سبب اکرام گردد اما در پیشگاه خداوند موجب سقوط مقام انسان خواهد شد.

#### تغییر ارزشها

واژه ارزش در زبان فارسی اسم مصدر ارزیابی و به معنای قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زیندگی، برانندگی و قابلیت است.

ارزش در جامعه‌شناسی به معنای خوب یا بد، شایسته و ناشایست و مطلوب و نامطلوب، نزد یک فرد یا گروه تعریف شده است. (۱۸) معمولاً هرگاه واژه‌هایی مانند بهتر، بهترین، خوب، بد، باید و نباید را به کار می‌بریم، ارزش‌ها می‌شویم، ارزش‌ها را مطرح می‌کنیم. ارزشها تصاویری از خوبی‌ها و بدی‌ها را منعکس می‌کنند و به عبارات دیگر، معیارهایی‌اند که افراد کارها را با آنها مقایسه و بعد قضاوت می‌کنند.

از تحولات قابل ملاحظه‌ای که در طول نسل‌ها اتفاق افتاده است، تحول ارزش‌ها فردی و اجتماعی است. با توجه به تغییرات سریع در ابعاد مختلف زندگی بشر طی سالیان اخیر، ارزش‌ها نیز در ابعاد مختلف دچار تغییراتی شده‌اند، دگرگونی در ارزش‌ها، موجب بروز تغییرات در رفتار افراد جامعه می‌شود.

تغییر سبک زندگی تغییر ارزش‌ها را نیز به دنبال دارد، واقعیتی که در این موضوع وجود دارد این است که ارزش‌ها و هنجارهای سنتی حاکم بر جامعه و خانواده، جای خود را به ارزش‌ها و هنجارهای مدرن داده است و در این موضوع، تحولات قابل ملاحظه‌ای رخ داده است. لذا مسئله تحول در ارزش‌ها و هنجارها،

از دیگر چالش‌های تمدنی عصر امروز می‌باشد.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِيهَا النَّاسُ، إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عَنُودٍ وَ زَمَنٍ كُنُودٍ يَعْدُ فِيهِ الْمَحْسَنُ مُسِيئًا»؛ (خطبه ۳۲)؛ ای مردم، ما در روزگاری ناسازگاری واقع شده‌ایم که نیکو کارش بدکردار شمرده می‌شود. این تغییر ارزش به معنای اهمیت دادن به چیزهایی است که ارزش نیستند و غفلت از آن چیزهایی است که ارزش واقعی هستند.

#### فضای مجازی

بشر در عصری زندگی می‌کند که سرعت رویدادها، انتقال داده‌ها و تغییرات به شدت افزایش یافته است و فضای مجازی در کنار فضای واقعی برای بشر به وجود آمده است.

ارتباطات مجازی قبل از اینترنت شروع شد و بعدها این ارتباطات و تعاملات در اینترنت ادامه یافت. اینترنت گروهی متشکل از هزاران شبکه است که از پروتکل واحدی استفاده می‌کنند و در جهت عرضه مجموعه اطلاعات واحدی به کاربران یا مشتریان خود مشارکت دارند.

فضای مجازی اینترنت را می‌توان به سرزمینی مجازی دارای زندگی‌های مجازی و جوامع مجازی تشبیه کرد؛ چراکه در این فضا زندگی‌ها و جوامع با همان درجه از واقعیت فیزیکی جامعه‌های واقعی وجود ندارند.

چنین فضایی به این جهت مجازی نامیده می‌شود که حضور قابل لمس فیزیکی با واقعیت فیزیکی ندارد، بلکه فقط در جهان

در دنیای جدید کالاها و اشیا از شکل سنتی خود به عنوان ابزاری برای رفع نیازها خارج شده است و به عنوان نماد و نشانه‌ای بر شخصیت اجتماعی و به مثابه ابزاری جهت نشان دادن منزلت اجتماعی مورد توجه مصرف‌کننده قرار می‌گیرد.

پدیده مصرف‌گرایی تأثیر زیادی در تغییر سبک زندگی بشر معاصر داشته و آثار متعدد اجتماعی فرهنگی و اقتصادی نیز بر جای گذاشته، مسئله مصرف‌گرایی و تغییر الگوی مصرف کالاها و خدمات از ابتلائات بشر معاصر است.

در مصرف‌گرایی نوین در جوامع بشری افراد بدون داشتن نیاز واقعی به دلایلی مانند رفتار متظاهرانه به خرید می‌پردازند و خرید و مصرف تابع نیازهای واقعی نیست؛ و حتی این نوع مصرف‌گرایی می‌تواند نشانه نوعی بیماری و اختلال در اندیشه و روان بشر معاصر باشد.

از سوی دیگر مصرف‌گرایی باعث وابستگی یک جامعه خواهد شد و وقتی در جامعه‌ای لایه‌های گسترده اجتماعی به سمت مصرف فراوان و بی‌توجه به امکانات تولید داخلی گام بردارند و به لحاظ کمی یا تنوع کالای بدنال مصرف بیشتر باشند این موضوع باعث وابستگی بیشتر جامعه می‌شود.

آنچه در آموزه‌های دینی در باره مصرف وجود دارد مبین این است که دین از طرفی مشوق به اعتدال و میانه‌روی است؛ از طرفی امر به اصلاح مال و صرف آن در مصارف شخصی در حد کفاف و شئون افراد کرده و از طرف دیگر رفتارهای ناپه‌نجان اسراف، تبذیر، اتراف، کنز و ثروت‌اندوزی بر حذر داشته که در جای خود قابل بحث است.

توجه به این نکته ضروری است که مصرف به خودی خود پدیده‌ای مذموم نیست و اسلام نیز مسلمانان را برای تأمین نیازهای زندگی تشویق می‌کند اما مصرف‌گرایی و هدف شدن مصرف آثار منفی داشته، هم‌معنا با مفاهیمی چون اسراف، تبذیر و اتراف بوده و مذموم شمرده شده است.

در اینجا بعنوان نمونه به آیه‌ای از قرآن کریم و بیان امیر المومنین (علیه السلام) اشاره می‌شود. قرآن می‌فرماید: (وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا)؛ (اسراء، ۲۶-۲۷) و حق نزدیکان را بپرداز و (همچنین) مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر مکن؛ چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطینند، و شیطان کفران (نعمتهای) پروردگارش کرد

در آیات فوق اسراف کاران برادر و همراه شیطان شناخته شده‌اند. بنابراین، در این جا می‌توان گفت هرکسی که مال و دارایی را در غیر مورد آن مصرف کند، کاری شیطانی و نوعی ناسپاسی مرتکب شده است.

علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ لِعَطَاءِ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يَكْرُمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ»؛ (خطبه ۱۲۶)؛ آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن، تبذیر و اسراف است، ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه کند اما مسلمان در آخرت پست و حقیر خواهد کرد در نظر

انسان معاصر که اسباب و عوامل غفلت بیش از گذشته او را گرفتار نموده است. بعنوان مثال قرآن کریم می فرماید: (وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ)؛ (اعراف/۲۰۵)، با حالت خوف و تضرع پروردگار خود را در درون خودت یاد کن هر صبحگاهان و شامگاهان و از غافلین مباش و (از این ذکر) غفلت نکن. بشر امروز اگر خواسته باشد از غافلان نباشد، با تمام مقتضیاتی که زندگی او دارد، باید همچون دورانهای گذشته در صبح و شام ذکر پروردگارش را داشته باشد.

این یک اصل اساسی در درمان غفلت را بسیار دقیق در (نور/۳۷) میتوان فهمید که می فرماید:

(رَجَالٌ لَا تُلْهِيمُهُمْ تِجَارَةً وَ لَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ)؛ کسانی که هیچ تجارتی و هیچ بیعی آن ها را از ذکر خدای متعال غافل نمی کند؛ اگر ذکر خدا برای کسی ملکه شود می تواند به یک مقامی برسد که در بازار که هست مشغول ذکر باشد، در تجارت خانه اش، در محیط درسش، در محیط کارش هم مشغول ذکر باشد حتی خوابش هم برای او ذکر باشد و خلاصه آنکه تجارت و بیع که می تواند در هر عصری مصداق و نمونه بارز اشتغال، سرگرمی و غفلت انسان باشد، در باره برخی هیچگاه نتوانسته آنها را از یاد خدا غافل کند. در زندگی معاصر علی رغم مقتضیات آن باز هم میتواند اینچنین باشد و این ذکر خداست که می تواند زنگار مقتضیات زندگی را برطرف سازد. چنانکه علی (علیه السلام) ذکر خدا را مایه جلاء

قلب و سمع و بصر بشر دانسته و می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى جَلَلُ الذِّكْرِ جَلَاءٌ لِقُلُوبٍ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْفَةِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَ تَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمَعَانِدَةِ»؛ (خطبه ۲۲۲) خداوندی منزّه و برتر، یاد خود را مایه جلائی قلبها قرار داده که بر اثر آن گوش، پس از سنگینی (بر اثر غفلت) شنوا شود و چشم پس از کم سویی بینا گردد و از لجاجت و عناد به انقیاد و اطاعت باز گردد و رام شود.

بنابر این با در نظر گرفتن مقتضیات زندگی معاصر، ملاحظه می شود برای چاره و درمان غفلت بشر، توجه به خدا و ذکر او در هر حال، بیش از پیش برای او ضرورت دارد، لکن چگونگی آن با توجه به مقتضیات زندگی معاصر باید مورد بازاندیشی قرار گیرد.

#### نتیجه گیری

زندگی بشر در دورانهای مختلف مقتضیات غیر قابل اجتنابی داشته و دارد. زندگی بشر معاصر نیز مقتضیاتی متناسب باخود دارد که عمدتاً متأثر از توسعه و پیشرفت فن آوری بشر در حوزه های علوم مختلف است. این توسعه پیشرفت علی رغم فوایدی که برای بشر معاصر داشته، از جهتی موجبات غفلت بیشتر او را نیز فراهم آورده است.

در منطق قرآن کریم و نهج البلاغه "ذکر خدا" همواره برای بشر در همه دورانها لازم، مفید و ضروری است، لکن با توجه به مقتضیات کنونی زندگی بشر معاصر، راهکار برون رفت از این معضل مهم این است که همین مقتضیات (از قبیل رایانه، اینترنت و موبایل و...) با مطالعه متخصصان متدین تا جای ممکن به گونه ای طراحی یا باز طراحی و برنامه ریزی شوند که نه تنها سبب غفلت

الکترونیک، تکنولوژی های ارتباطی انعکاسی انتزاعی دارد. این فضا قابلیت انتقال سریع و آنی داده ها را امکان پذیر می نماید و در حقیقت فاصله های جغرافیایی و زمانی موجود را از میان می برد (۱۹).

جهان امروز جهانی است که دائماً "توليدات خلق الساعه" و فنا و نابودی های آنی را خصوصاً در حوزه فرهنگ عامه می پروراند. جهانی است که جامعه انسانی را مواجه با "دو جهان موازی" نموده است؛ "جهان اول: جهان واقعی" و "جهان دوم: جهان مجازی". جهان اول؛ جهانی است که در آن زندگی و فعالیت اجتماعی عینی جریان دارد. جهان دوم؛ جهانی است که انسان را در مواجهه با "واقعیت های مجازی" قرار می دهد.

در جهان مجازی؛ انسان با سرزمینی بی مرز و چند فرهنگی و در عین حال برخوردار از "فضای واحد" مواجه است. جهان دوم؛ جهانی است با قاعده های خاص و در عین حال خالی از هر نوع قانون و ضابطه عقلانی. جهان مجازی؛ جهانی است با جهت گیری های مشخص و در عین حال فارغ از هر نوع جهت گیری ماندگار و هزاران خصیصه متضاد که هم در درون این جهان مشخص شده است و هم در مواجهه با جهان واقعی موجب تولید تضاد، تناقض و امور متزاحم می شود؛ تضادهایی که ضمن به وجود آوردن ظرفیت های جدید و همچنین توسعه قدرت انتخاب، عامل بن بست، سردرگمی و ناکامی های جبران ناپذیر نیز می تواند باشد.

بدیهی است که تقسیم بندی جدید جهان به جهان اول و جهان دوم بر تقسیم بندی های قدیم جهان به جهان عقب افتاده، در حال توسعه و توسعه یافته مبتنی نیست؛ مبنای تقسیم شمال و جنوب را هم مورد توجه قرار نمی دهد، بلکه این تقسیم بندی متکی بر "واقعیت" و "مجاز"، "مصداق" و "معنی" است (۲۰).

در واقع در درون این دو جهان که مانند دو قلوهای به هم چسبیده در تعامل با یکدیگرند و بدون یکدیگر استمرار حیات اجتماعی آنها ممکن نیست، دو واقعیت در جریان است که یکی "واقعیت طبیعی" و دیگر "واقعیت مجازی".

اینک فضای مجازی در زندگی بشر معاصر حضوری واقعی دارد. چیزی که از آن بعنوان دوجوانی بودن تعبیر می شود. از پی آمدهای دو جهانی بودن زندگی بشر معاصر آن است که آنگاه که در جهان مجازی حضور دارد بطور طبیعی از جهان واقعی دور شده و از واقعیت های آن غفلت می کند، چنانکه عکس آن هم صادق است.

راهکار درمان بیماری غفلت

آنچه در منطق قرآن کریم و نهج البلاغه برای همه اعصار و دورانها از جمله دوران کنونی در راس همه عوامل غفلت زدا قرار دارد و موثرترین راهکار برای درمان غفلت در عصر حاضر برای بشر است، ذکر و یاد خداست که آثار بسیار زیادی بر آن مترتب است. بشر معاصر گرفتار در گرداب فن آوری و مدرنیته بسیار به ذکر نیازمند است.

ذکر را به یاد کردن و یادآوری از چیزی یا کسی با قلب، زبان یا هر دو معنا کرده اند. (۲۱) ذکر یاد کردن چیزی یا کسی با قلب و زبان است و در محاورات مردم و اهل شرع همان یاد کردن خدا است. واژه ذکر و مشتقات آن در حدود ۳۰۰ بار در قرآن به کار رفته است که نشان از اهمیت آن در زندگی برای انسان دارد، بویژه برای

Tehran: Imam Khomeini Educational-Research Institute Publications.

15. Azad Armaki, Taqi (1380). Intergenerational Gap in Iran, Letter of the Iranian Sociological Association (Special for the Second Iranian Conference on Social Issues), No. 4.
16. Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid Ibn Heba Allah. Explanation of the approach of rhetoric, Qom: Library of the Grand Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi
17. Buck, Robert. (1381). Consumption, translated by Khosrow Sabouri, Tehran: Shirazeh Publications.
18. Giddens, Anthony (1373). Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publishing.
19. Mohseni, Manouchehr (1390). Introduction to Sociology, Tehran: Doran Publications.
20. Ameli, Saeed Reza (1383). Globalizations: Concepts and Theories, Organon Quarterly, No. 24.
21. Dekhoda, Ali Akbar. (1338). Dekhoda Dictionary, Tehran: Dekhoda Dictionary Organization, University of Tehran Publications.

انسان نشوند، بلکه حتی زمینه ی ذکر خدا را فراهم آورده و ذهن بشرمعاصر را متوجه خدا نماید و این مهم شدنی است. کاری که تا اندازه ای هم انجام شده ولی نیاز به توجه و توسعه بیشتری دارد.

## References

The Holy Quran

1. Two Easter, Roje. (1374). History of Islam, human destiny, translated by Ali Akbar Kasmaei, Tehran: Farjam.
2. Javadi Amoli, Abdullah (1380). Waiting for the religion, Qom: Esra Publishing Center.
3. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1416).
4. Rosa, Hartmut, (1398). Acceleration and alienation. Translator: Hassanpour Safir, Tehran: Agah Publications.
5. Nouri, Hussein (1408). Mustadrak al-Wasa'il Mustanbat al-Masa'il, Qom: Al-Bayt Institute (AS).
6. Rey Shahri, Mohammad Mohammadi (1384). Mizan al-Hikma, Qom: Dar al-Hadith Publishing Organization.
7. Castells, Manuel. (1382). Information Age, Translator: Ahmad Alighlian and Afshin Khakbaz, Tehran: New Plan Publishing.
8. Majlisi, Mohammad Baqir (1362). Sea of Lights, Tehran: Islamic Bookstore.
9. Makarem Shirazi, Nasser (1371). Sample Interpretation, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya.
10. Mohammad Balkhi, Maulana Jalaluddin (1396). Masnavi Manavi, Editor, Reynold Nicholson, Tehran: Phoenix Publications
11. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1408). Arabic Language, Beirut: Dar Al-Jail (Arabic Language House).
12. Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein (1362). Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Tehran: Islamic Library
13. Rastegaran, Alireza (1382). Luxury from the perspective of Islam, Tehran: Radio and Television Research Center.
14. Waezi, Hassan. (1388). New World Colonization and the Islamic Revolution,